بدون مرز

اورانگوتان ۱۰۰ کیلوگرمی رژیم می‌گیرد

گروه حوادث: یک اورانگوتان که در باغ وحش در انگلستان زندگی می‌کند به دلیل داشتن وزنی یکصد کیلویی باید رژیم بگیرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی تلگراف، نگهدارنده این حیوان گفت: اورانگوتان که «اوشین» نام دارد از مرکز نگهداری حیوانات آفریقای جنوبی به باغ وحش «دورست» منتقل شده است. او به خاطر عادات غذایی بسیار بد دچار اضافه وزن شده است. وی در ادامه خاطرنشان کرد: «اوشین» برای ۱۳ سال در مرکز نگهداری در آفریقای جنوبی بود، پس از اینکه او به انگلستان منتقل شد، به دلیل مصرف بیش از حد مواد قندی، شیرینی‌جات، ژله‌ها و باسلق‌های خانگی که دوستداران حیوانات برایش می‌آوردند، به یکباره وزنش به یکصد کیلوگرم رسید. این وزن دو برابر وزن طبیعی این حیوان است. از این پس در رژیم غذایی این اورانگوتان به جای محصولات قندی، انواع میوه‌ها، سبزیجات و ورزش گنجانده می‌شود چرا که به گفته نگهدارنده این حیوان، «اوشین» شکم آورده است و باید آن را آب کند.

نجات مردی که سرش در کاسه توالت گیر کرد

یک مرد چینی که سرش تا گردن درون کاسه توالت گیر افتاده بود، پس از دو روز نجات یافت. به گزارش ایسنا، این مرد زمانی نجات یافت که یک رهگذر با مراجعه به توالت عمومی بیرون از شهر صدای ناله‌های این مرد را شنید او هر چه تلاش کرد، موفق نشد مرد گرفتار را نجات دهد به همین دلیل با اورژانس تماس گرفت. در نهایت ماموران امدادگر در تلاشی ۲۰دقیقه‌ای با استفاده از دستگاه‌های ویژه سر این مرد را از داخل کاسه توالت بیرون کشیدند. یکی از ماموران امدادگر در این باره گفت: این مرد بلافاصله پس از نجات به نزدیک‌ترین حوضچه رفت تا حمام کند. خود این مرد نیز درباره حادثه گفت: « دو روز قبل به یکباره پایم لغزید و با سر داخل کاسه توالت فرود آمدم و گیر کردم.» در این مدت خانواده این مرد مفقود شدن وی را به پلیس منطقه «ویوآن» گزارش داده بودند، اما به دلیل اینکه این توالت عمومی خارج از شهر است، کسی برای کمک به او نیامده بود.

تولد دوقلوهای سه پا در اصفهان

دو قلوهای به هم چسبیده با چهار دست و سه پا در بیمارستان عیسی بن مریم اصفهان متولد شدند.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، روز۱۴ شهریورماه زنی به نام لیلا با تشخیص بارداری دوقلو به بیمارستان عیسی بن مریم مراجعه کرد و پزشک متخصص زنان و زایمان پس از معاینه بیمار، وی را برای انجام عمل سزارین به اتاق عمل اعزام کرد. در حین عمل جراحی و خروج نوزاد اول، تیم جراحی متوجه چسبندگی آنها شد و سپس دو نوزاد به هم چسبیده به دنیا آمدند که محل چسبندگی آنان از ناحیه قفسه سینه بود. دوقلوها پسر و دارای چهار دست و سه پا هستند و یکی از نوزادان تنفس خودآگاه دارد ولی نوزاد دوم به وسیله آمبو و ماسک ونتیله نفس می‌کشد. پس از انجام عمل سزارین، نوزادان به ریکاوری انتقال یافتند و توسط تیم بیهوشی تحت مراقبت قرار گرفتند و حدود دو ساعت بعد به بخش نوزادان انتقال داده شدند. با تلاش کارکنان بخش نوزادان و نیز حضور متخصص نوزادان، دوقلوها به مدت چند ساعت در این بخش نگهداری شدند ولی به علت نیاز آنان به مراقبت ویژه در بخش NICU و همچنین نیاز به بخش جراحی اطفال، به بیمارستان دیگری انتقال یافتند.

کشف بقایای جسد یک انسان از داخل شکم کوسه

گروه حوادث: پلیس «باهاما» در امریکا بقایای جسد یک انسان را از داخل شکم یک کوسه صید شده بیرون کشید. «گلن میلر» دستیار کمیسیونر پلیس جزایر «اگزوما» در «باهاما» توضیح داد: کارشناسان پزشکی قانونی در تلاش هستند با استخراج DNA این جسد که از آن فقط دو پا، دو دست و نیم تنه منهدم شده باقی مانده است، هویت جسد را مشخص کنند. وی خاطرنشان کرد این جسد از داخل شکم یک کوسه ببری ۳/۶ متری بیرون کشیده شده است. همچنین شواهد نشان می‌دهد این جنازه بیش از دو روز در شکم کوسه بوده است.

خبر

سازمان ملل متحد اعلام کرد ۱۰ میلیون پاکستانی بدون سرپناه هستند

مقامات دولتی پاکستان و نمایندگان سازمان ملل متحد در این کشور اعلام کردند ۱۰ میلیون پاکستانی سیل‌زده بدون پناهگاه هستند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «موئاریزیو گویی لیانو» سخنگوی دفتر همکاری‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد تصریح کرد: بر اساس جدیدترین تخمین‌ها که از سیلاب اخیر در «سند» به دست آمده است، دست‌کم ۱۰ میلیون پاکستانی همچنان بدون سرپناه هستند. وی افزود: سیلاب پاکستان یکی از بدترین فجایع انسانی در تاریخ کمک‌های سازمان ملل متحد به شمار می‌رود، چرا که با وجود ارسال کمک‌ها هنوز تعداد زیادی نیازمند کمک هستند. «والری آموس» رئیس جدید دفتر همکاری‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد که روز سه‌شنبه به پاکستان رفت نیز در این باره خاطرنشان کرد: سیلاب پاکستان بر ۲۱ میلیون سکنه این کشور اثر مستقیم گذاشته است و این سیل بزرگ‌ترین بحران در طول تاریخ محسوب می‌شود. حصار و حفاظ رودخانه‌ها در مناطق سیل‌زده جنوبی این کشور درهم‌شکسته، اما دولت تلاش کرده با اعمال مهندسی ویژه، این سدها و حصارها را بار دیگر احداث کند. با این حال، شش هفته از وقوع سیلاب خانمان برانداز در پاکستان می‌گذرد و همچنان وضعیت بی‌ثبات است. مقامات محلی ایالت «سند» نیز یادآور شدند به دلیل بالا آمدن سطح آب دو شهر در این ایالت به شدت در معرض آب‌گرفتگی کامل قرار دارند و ۱۹ ناحیه از ۲۳ ناحیه با دو میلیون و ۳۰۰ هزار سکنه باید به طور کامل تخلیه شوند. اکنون نیروهای ارتش و داوطلبان به شدت در تلاش هستند تا سکنه را از غرق شدن نجات دهند. در همین حال «آجای چیبر» معاون دبیرکل سازمان ملل متحد عنوان کرد: کمک کردن به بازسازی منازل و ادارات پاکستان و کاهش تلفات سیلاب با اسکان موقت و امن سیل‌زدگان یکی از فعالیت‌های مهم سازمان است که البته کمک جهانی و محلی را می‌طلبد.

۵۰ قاضی هیات عمومی دیوان عالی کشور نظر دادند

دفاع مشروع، انگیزه یک پسر ۱۶ساله از قتل در کوهستان

گروه حوادث: هیات عمومی دیوان عالی کشور رای قصاص پسر نوجوانی را که شش سال پیش در پی یک دوئل عشقی مرتکب قتل شده بود، نقض کرد.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده سه بار در دادگاه بدوی و دو بار در دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گرفت و در نهایت هیات عمومی دیوان عالی کشور متشکل از ۵۰ قاضی رای قصاص را نقض کرد و پرونده را یک بار دیگر به دادگاه بدوی بازگرداند.

اوراق این پرونده از ۱۵ آبان سال ۸۳ یک به یک روی هم گذاشته شد. مطابق مندرجات پرونده ساعت ۲۱ آن روز به ماموران پلیس گیلان غرب خبر دادند جوانی به نام حسن در بیمارستان جان باخته و علت مرگ او اصابت شیئی نوک‌تیز مانند چاقو به سینه‌اش است.

ماموران که به دنبال سرنخی برای شناسایی عامل قتل می‌گشتند جوانی که حسن را به بیمارستان رسانده بود مورد بازجویی قرار دادند. وی گفت: ضاربان سه نفر بودند. من آنها را می‌شناسم. رسول، کامران و محمد از هم‌محلی‌های ما بودند. روز حادثه من و حسن داشتیم از بالای کوه دیاره به پایین می‌آمدیم که متوجه شدیم این سه جوان که زورگیر هستند بوته‌های کنار جاده را آتش زده‌اند. من بوته‌ها را خاموش کردم و برای کاری به گوشه‌ای رفتم. وقتی برگشتم دیدم حسن روی زمین افتاده است. فکر کردم می‌خواهد با من شوخی کند اما وقتی او را برگرداندم متوجه شدم حسن خون زیادی از دست داده است. او وزن زیادی داشت و من نمی‌توانستم بلندش کنم. خیلی سریع خودم ر ا به مزرعه‌ای در آن نزدیکی رساندم و از صاحب یک تراکتور کمک خواستم تا حسن را به بیمارستان ببریم. متاسفانه مداوا کارساز نبود و او فوت شد. پلیس سه جوانی را که از سوی این شاهد معرفی شده بودند بازداشت کرد و رسول که آن زمان ۱۶ساله بود به آدم‌کشی اعتراف کرد و گفت در دفاع از خودش مرتکب قتل شده است. او گفت: من و دوستانم در غار دیاره نشسته بودیم. ساعت حدود ۹ شب بود، یک چراغ اضطراری هم با خود برده بودیم. یکدفعه سنگی بزرگ به سمت محمد افتاد. ما ترسیدیم و از آنجایی که صدای حیوان از قسمت‌های مختلف شنیده می‌شد فکر کردیم حیوانات وحشی به ما حمله کرده‌اند. از غار بیرون آمدیم، کامران چوبی برداشت تا اگر موجودی به ما حمله کرد بزنیمش. چند دقیقه بعد دو مرد به سمت ما آمدند. آنها صورت‌شان را با چیزی پوشانده بودند. ما ندیدیم چه کسانی هستند. یکی از آنها که هیکلی بزرگ هم داشت به محمد حمله کرد و او را زد. کامران برای دفاع از محمد با چوب مرد جوان را کتک زد اما نتوانست حریف او شود. مرد نقابدار به سمت من حمله کرد. در یک لحظه چاقویی را که در جیب داشتم بیرون آوردم و او را زدم و بعد فرار کردیم.

ادعای رسول در حالی بود که شاهد قتل پیش از این گفته بود دوستش حسن مورد حمله زورگیران قرار گرفته است. زمانی که شاهد گفته‌های متهمان را شنید این بار داستان را طور دیگری تعریف کرد. او گفت: حسن از من خواست همراه او به سمت کوه دیاره بروم. در راه برگشت او سه جوان را دید و گفت آنها از آشنایانش هستند و با آنها مشکل خانوادگی دارد و می‌خواهد انتقام بگیرد. من مخالفت کردم اما او جلو رفت. ابتدا سنگ بزرگی را از بالا به سمت دهانه غار انداخت و بعد با تقلید صدای حیوانات سعی کرد سه جوان را بترساند. آنها نیز از ترس با چماق بیرون آمدند و درگیر شدند. من البته آن زمان محل را ترک کرده بودم. تا این مرحله برای پلیس مشخص شده بود عامل قتل، رسول است اما هنوز انگیزه جنایت مشخص نشده و پلیس متوجه نشده بود مقتول چرا آن نقشه را برای ترساندن سه پسر جوان طراحی کرد.

محمد یکی از سه جوان متهم پاسخ این سوال را داد و گفت: درگیری به خاطر یک دختر بود. حسن مرتب مزاحم یک دختر می‌شد و به او متلک می‌گفت. من هم که از آن دختر خوشم می‌آمد سعی کردم جلویش را بگیرم و یک روز در خیابان با هم بحث کردیم. حسن کینه عجیبی نسبت به من داشت و در هر فرصتی سعی می‌کرد از من انتقام بگیرد. او حتی می‌خواست به من تعرض کند که کامران مانع شد. روز حادثه هم سنگ را برای به قتل رساندن من به پایین پرت کرد. پلیس برای اینکه به صحت گفته‌های محمد پی ببرد تحقیقات محلی را آغاز کرد و کسانی که حسن و سه متهم را می‌شناختند، تایید کردند رسول اختلافی با مقتول نداشت و حسن و محمد بر سر یک دختر از مدت‌ها قبل با هم درگیری داشتند. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه فرستاده شد و دادگاه بدوی رای بر قصاص متهم صادر کرد.

این حکم مورد اعتراض رسول قرار گرفت و پرونده برای بررسی دوباره به دیوان عالی کشور فرستاده و رای نقض شد. قضات دیوان عالی اعلام کردند از آنجایی که حسن به گفته همدستش نقشه حمله را از پیش طراحی کرده بود بنابراین عمل رسول مصداق دفاع مشروع است اما در دفاع زیاده‌روی شده است. به این ترتیب بار دیگر پرونده به دادگاه بدوی بازگشت و رسول تحت محاکمه مجدد قرار گرفت. این بار هم قاضی عمل رسول را مصداق دفاع مشروع ندانست و در حکمش متذکر شد همراه داشتن چاقوی نامتعارف توسط متهم فرضیه دفاع مشروع را باطل می‌کند.

هرچند برای دومین مرتبه رای بر قصاص رسول صادر شد، یک بار دیگر دیوان عالی کشور حکم را نقض کرد و قضات اعلام کردند دوست مقتول در دادگاه به خاطر تبانی در حمله به متهمان به یک سال حبس محکوم شده و این حکم نشان‌دهنده آن است که عمل رسول دفاع مشروع است.

یک بار دیگر پرونده به دادگاه بدوی بازگردانده شد و متهم برای بار سوم پای میز محاکمه رفت و یک بار دیگر تاکید کرد در دفاع از خودش مجبور به این کار شده است.

با توجه به اینکه دادگاه بدوی دوباره رای بر قصاص صادر کرد و دیوان نیز همچنان بر نظر خود مبنی بر دفاع مشروع باقی بود برای بررسی این پرونده هیات عمومی دیوان عالی کشور متشکل از ۵۰ قاضی و به ریاست رئیس دیوان عالی کشور جلسه‌ای را تشکیل داد. قضات بعد از بررسی دقیق پرونده نظر دیوان عالی کشور را مورد تایید قرار دادند و رای قصاص را درست تشخیص ندادند.

قاضی عروجی یکی از قضات هیات عمومی که نظر بر دفاع مشروع دارد در این باره گفت: متهمان همگی نوجوان بودند، در حالی که مقتول مردی ۲۵ساله با هیکلی درشت بود، ضمن اینکه همدست مقتول گفته است سعی کردم حسن را از حمله به سه متهم منصرف کنم. این به معنای آن است که مقتول واقعاً قصد حمله و ضربه زدن به متهمان را داشته است.

بنابراین در دفاع از خود بودن عمل رسول شکی نیست اما دفاع متناسب با حمله نبوده است. بنابراین ۵۰ قاضی هیات عمومی با اکثریت آرا رای قصاص را نقض کرده و پرونده را برای چندمین بار به دادگاه عمومی فرستادند تا این بار دادگاه بدوی درباره مجازات متهم در خصوص متناسب نبودن دفاع با حمله تصمیم بگیرد.

زورگیر خشن به مادرزنش هم رحم نکرد

گروه حوادث: آشنایی دختری جوان با مردی متاهل سرآغاز تشکیل یک باند خشن زورگیری و سرقت از ده‌ها شهروند شد. تبهکاران که با همدستی دختر جوان شهروندان را به عنوان مسافر سوار خودروشان می‌کردند تا آنجا پیش رفتند که در یکی از سرقت‌هایشان پول‌های مادر این دختر را نیز زورگیری کردند. به گزارش خبرنگار ما، پشت پرده جرائم این باند تبهکاری ساعت ۲/۳۰ بامداد ۲۸ مردادماه، همزمان با دستگیری‌شان در اطراف میدان آزادی برملا شد. این اتفاق زمانی رخ داد که ماموران کلانتری مهرآباد جنوبی حین گشت‌زنی در اطراف میدان آزادی به سه مرد و یک زن که سوار یک دستگاه خودرو پژو پرشیا بودند، مظنون شدند و به بازرسی آن پرداختند. ماموران در تفتیش این خودرو چند قبضه چاقو و قمه کشف کردند و از آنجا که احتمال داشت مظنونان مرتکب زورگیری و جرائم خشن شده باشند هر چهار نفر به نام‌های‌های امیر، فرهاد، محمد و مرجان دستگیر و به کلانتری منتقل شدند. در تحقیقات مقدماتی از دستگیرشدگان، افسران پلیس احتمال دادند آنها در چندین پرونده زورگیری نقش داشته باشند به همین دلیل کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی ماموریت یافتند در این باره بیشتر تحقیق کنند.

در این مرحله از تحقیقات فاش شد یکی از متهمان به نام فرهاد که از افراد سابقه‌دار است به اتهام سرقت و جیب‌بری تحت تعقیب قرار دارد و از مدت‌ها پیش به طور مخفیانه زندگی می‌کند. اطلاعات به دست آمده حاکی از آن بود که فرهاد در شعبه ششم دادیاری دادسرای ناحیه ۱۸ تهران نیز پرونده دارد به این ترتیب با تجمیع پرونده‌های وی در این شعبه شاکیان به دادسرا فراخوانده شدند.

چند مالباخته هنگامی که در برابر متهمان قرار گرفتند آنها را به عنوان سارق اموال‌شان شناسایی کردند. یکی از مالباختگان درباره نحوه سرقت اموالش به ماموران گفت: حدود یک ماه قبل در میدان آزادی در حال بازگشت به خانه بودم که به عنوان مسافر سوار یک دستگاه خودرو پژو پرشیا شدم. چون روی صندلی جلو، کنار راننده یک خانم نشسته بود فکر کردم همه سرنشینان پژو پرشیا مسافر هستند اما چند لحظه بعد دو نفر که در صندلی عقب در طرفین من نشسته بودند با چاقوهایی که با خود داشتند من را تهدید کردند اگر پول‌های همراه خودم را به آنها ندهم از ماشین‌شان زنده بیرون نخواهم رفت. من هم که در آن موقع شب بسیار ترسیده بودم زنده ماندنم را به مقاومت در برابر آنها ترجیح دادم و مبلغ ۱۲۰ هزار تومان پول نقد که تازه از عابربانک گرفته بودم تا کرایه خانه‌ام را بدهم به آنها دادم و خودم را از دست آنها خلاص کردم. در حالی که روز به روز بر تعداد شاکیان این پرونده افزوده می‌شد با حضور یک شاکی جدید در پایگاه پنجم ابعاد بیشتری از پشت پرده جرائم این باند تبهکاری برملا شد. شاکی جدید به کارآگاهان گفت: مدتی قبل با سفارش آگهی استخدام خدمتکار زن برای مراقبت از مادر پیرم در یکی از روزنامه‌ها زن جوانی را به عنوان خدمتکار استخدام کردم. وقتی زن جوان به خانه مادرم آمد گفت به خاطر بیماری مادرش نیاز شدیدی به پول دارد. من هم تحت تاثیر گفته‌های او بدون تحقیقات در همان روز اول، کلید خانه را به وی دادم. هنوز چند هفته‌ای از این ماجرا نگذشته بود که زن جوان با من تماس گرفت و گفت برای انجام عمل جراحی مادرش نیاز به پول دارد و از من خواست حقوق ماه اولش را به طور کامل پرداخت کنم. من هم که به او اعتماد پیدا کرده بودم یک ماه حقوقش را پیشاپیش به او دادم و حتی تصمیم داشتم مبلغی را هم به عنوان کمک به او بدهم اما پس از حضور مقابل منزل مادرم متوجه داستان دیگری شدم.

وی که همراه یک مرد جوان به آنجا آمده بود گفت: او یکی از بستگانش است و قرار است با یکدیگر به بیمارستان بروند. در شرایطی که چندین میلیون پول شرکتم را همراه داشتم، در کیفم را باز کردم تا حقوق پرستارم را پرداخت کنم اما ناگهان تیزی چاقو را زیر گلویم احساس کردم. مرد جوان بعد از دیدن چک‌پول‌ها در داخل کیفم فشار چاقویش را بر گلویم بیشتر کرد و اگر در برابرش مقاومت می‌کردم ممکن بود من را بکشد. در همان لحظه زن خدمتکار خیانتکار کیفم را برداشت و در یک لحظه همراه با همدست خشنش از آنجا فرار کرد.

کارآگاهان در تحقیقات تکمیلی خود دریافتند مرجان و فرهاد چندی پیش با یکدیگر آشنا شده و با وجود مخالفت‌های خانواده مرجان با یکدیگر ازدواج کرده‌اند. تحقیقات بعدی نشان داد فرهاد در حالی که قبل از مرجان با زن دیگری ازدواج کرده بود به او گفته بود مجرد است، با این وجود مرجان همچنان بر ادامه زندگی با فرهاد تاکید کرد و همین موضوع باعث طرد شدن او از خانواده‌اش شد.

در شرایطی که متهمان در بازداشت به سر می‌برند چندی قبل خانواده مرجان که از دستگیری او باخبر شده بودند به پلیس آگاهی رفتند. در حالی که کارآگاهان انتظار داشتند خانواده این زن جوان برای آزادی او تلاش کنند با شکایت مادر مرجان روبه‌رو شدند. مادر مرجان در شکایت خود به کارآگاهان گفت: روز پنجم فروردین امسال در حالی که داخل خودروام در مقابل پارکینگ خانه‌مان بودم ناگهان فرهاد داخل ماشین آمد و با تهدید چاقو مبلغ ۴۰۰ هزار تومان پولی را که همراهم بود سرقت کرد. یک روز بعد از این ماجرا در حالی که تصمیم داشتم از او شکایت کنم فرهاد مقابل خانه‌مان آمد و تمام شیشه‌های خانه را شکست و گفت اگر پای پلیس را وسط بکشم برای دخترم دردسر درست می‌کند. من هم از ترس جان دخترم از شکایت صرف نظر کردم اما در ادامه فهمیدم مرجان هم با او همدست است. سرهنگ علی‌اکبر اسدی رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران، با اعلام این خبر گفت: هر سه متهم مرد این پرونده از مجرمان سابقه‌داری هستند که پیش از این بارها به اتهام جرائم مختلف از قبیل خرید و فروش مواد مخدر، تهدید شهروندان با سلاح سرد، قدرت‌نمایی، زورگیری و... بارها دستگیر و زندانی شده‌اند. این مقام پلیس همچنین از افرادی که توسط سرنشینان یک دستگاه پژو پرشیا در مناطق غربی تهران از قبیل آزادی، تهرانسر، مهرآباد جنوبی و همچنین منطقه رسالت اموال‌شان زورگیری شده خواست برای شناسایی متهمان به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

دو کشته در دستبرد همزمان به دو جواهرفروشی

گروه حوادث: پلیس شیراز تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی چهار مرد مسلح که با دستبرد همزمان به دو جواهرفروشی دو نفر را کشته و پنج تن را زخمی کرده‌اند، در دستور کار خود قرار دادند.

به گزارش خبرنگار ما این سرقت که شامگاه دوشنبه اتفاق افتاد شباهت‌های زیادی به دستبرد مسلحانه‌ای دارد که سال گذشته در یک جواهرفروشی دیگر در شیراز به وقوع پیوسته بود و پلیس احتمال می‌دهد عاملان ارتکاب این جرائم اعضای یک باند هستند.

ساعت ۲۰/۳۰ دوشنبه یک پژو پرشیا مقابل دو جواهرفروشی که در نزدیکی خیابان شیخ‌علی چوپان قرار دارند، توقف کرد و چهار مرد مسلح از آن پیاده شدند. این افراد در شرایطی که عابران در حال تردد بودند همزمان انگشتان خود را روی ماشه سلاح‌هایشان فشردند و به سمت ویترین طلافروشی‌ها شلیک کردند اما استفاده از شیشه ضدگلوله دزدان را در رسیدن به خواسته‌شان ناکام گذاشت، به همین خاطر آنها نقشه‌شان را تغییر دادند و این بار در یورشی همزمان طلاهای هر دو مغازه را غارت کردند سارقان هنگام فرار وقتی دیدند مردم دورشان تجمع کرده‌اند بار دیگر دست به اسلحه بردند و شروع به تیراندازی کردند. دقایقی پس از این دزدی ماموران پلیس به محل حادثه رسیدند و دیدند هفت نفر در این حادثه زخمی شده‌اند. انتقال این افراد به بیمارستان نخستین اقدامی بود که صورت گرفت اما دو نفر از مجروحان جان خود را از دست دادند.

شاهدان حادثه که وحشت‌زده بودند، وقتی با ماموران روبه‌رو شدند به تشریح جزییات حادثه پرداختند. یکی از آنها که از خطر گریخته بود، گفت: «چهار مرد مسلح همان اول بدون اینکه حرفی بزنند یا به اطراف‌شان توجهی کنند شروع به تیراندازی کردند. من همان لحظه در گوشه‌ای پنهان شدم، نمی‌دانم آنها چند تیر شلیک کردند. وقتی دزدان داخل مغازه‌ها رفتند تصمیم گرفتم فرار کنم و جان خودم را نجات بدهم اما آنها خیلی سریع دوباره به خیابان برگشتند و باز هم شروع به تیراندازی کردند. برای آنها اصلاً مهم نبود کسی را بکشند. فقط می‌خواستند هر طور شده فرار کنند. من نتوانستم شماره پلاک خودروشان را یادداشت کنم چون خیلی سریع گریختند.»

کارآگاهان وقتی ماجرای سرقت را از زبان شاهدان شنیدند به تحقیق از صاحبان دو مغازه که با هم برادر هستند، پرداختند. این دو زمان سرقت کف مغازه دراز کشیده و پنهان شده بودند به همین خاطر نیز از تیررس مردان مسلح دور مانده بودند. پرس‌وجو از دو زرگر نیز سرنخ خاصی در اختیار پلیس قرار نداد اما آنچه برای کارآگاهان جلب توجه کرد سابقه دو مغازه بود. طبق اطلاعات موجود همین مغازه‌ها در سال ۸۲ نیز هدف دزدی قرار گرفته و آن سرقت‌ها نیز با تیراندازی و خونریزی همراه شده بود.

کارآگاهان وقتی آن پرونده را مرور کردند متوجه شدند آن زمان دو برادر در مغازه‌ها مشغول به کار بودند که هر دو توسط مهاجمان کشته شدند و از آن به بعد دو برادر دیگر مقتولان اداره جواهرفروشی‌ها را بر عهده گرفتند. تکرار این اتفاق در حالی رنگ واقعیت گرفته بود که پیش از این اداره اماکن هر دو طلافروشی را ناایمن دانسته و خواستار تعطیلی آن شده بود اما مالکان جدید از این کار سر باز زده بودند.

افسران پلیس آگاهی در تلاش برای یافتن سرنخی از سارقان، با توجه به سرعت عمل و خشونت آنها به این نتیجه رسیدند که به احتمال زیاد این افراد قبلاً هم دزدی‌های مسلحانه‌ای انجام داده و در این کار به تبحر رسیده‌اند. مرور پرونده‌های بلاتکلیف می‌توانست راهگشا باشد به همین خاطر کارآگاهان به بررسی حوادث مشابه پرداختند و با سرقت مسلحانه‌ای مواجه شدند که سال گذشته به وقوع پیوسته بود. بنا بر اطلاعات مندرج در آن پرونده سارقان مسلح اسفند سال ۸۸ به یک جواهرفروشی در خیابان بنی‌هاشم رفته و با شگردی مشابه طلاها را به یغما برده بودند و موقع فرار به روی مردمی که قصد داشتند راهشان را سد کنند، آتش گشوده بودند البته در آن دزدی به کسی آسیبی نرسیده و گلوله‌ها به هدف نخورده بود. بنا بر این گزارش پلیس شیراز همچنان به تحقیقات برای شناسایی عاملان سرقت خونین ادامه می‌دهد و کارآگاهان با این فرضیه مواجه هستند که به دست آوردن هر سرنخی از دزدان طلافروشی‌های شیخ‌علی چوپان یا زرگری خیابان بنی‌هاشم به افشای اسرار دستبرد دیگر نیز منجر خواهد شد.

سیلاب هزاران استرالیایی را بی‌خانمان کرد

گروه حوادث: سیلاب در «استرالیا» باعث تخریب صدها واحد مسکونی و بی‌خانمان شدن هزاران تن از سکنه این کشور شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، تمامی نیروهای پلیس دریایی و بالگردهای امدادی در حالت آماده‌باش قرار دارند زیرا وضعیت سیلاب در ایالت «ویکتوریا» واقع در جنوب شرق کشور به شدت وخیم است. تاکنون ۳۰۰ منزل مسکونی و واحد اداری در مناطق جنوبی، شرقی و شمال شرقی این کشور تخریب شده و به ۲۹۰ واحد دیگر هم خسارت وارد آمده است. رودخانه «گول برن» در ایالت «ویکتوریا» به شدت در وضعیت خطر طغیان قرار دارد. به همین دلیل، این احتمال وجود دارد که تا یکی دو روز آینده حصارهای سدمانند این رودخانه درهم بشکند و زمین‌های اطراف را سیل ببرد.

حادثه‌ها

رهایی خواهر و برادر از گروگانگیری برادر بزرگ

گروه حوادث: فرد معتادی که برادر و خواهر کوچک‌ترش را گروگان گرفته بود و قصد داشت آنها را بکشد، دستگیر شد و هر دو گروگان‌آزاد شدند. «سرهنگ مهدی یارندی» معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان تهران با اعلام این خبر افزود: ساعت ۳ بعدازظهر یازدهم شهریورماه به دنبال تماس فردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و اعلام اینکه برادر بزرگش، خواهرشان را به دلیل اختلافات خانوادگی گروگان گرفته و قصد کشتن وی را دارد، بلافاصله ماموران پلیس شهریار به محل مورد نظر اعزام شدند. وی گفت: ماموران با حضور در محل متوجه شدند گروگانگیر فردی معتاد به نام «مجید م» است که خواهر ۱۲ساله خود را به دلیل اختلاف خانوادگی و اعتراض اعضای خانواده نسبت به اعتیادش، در یکی از اتاق‌های منزل‌شان گروگان گرفته و در حالی که مسلح به قمه است، او را به صورت سطحی زخمی و تهدید به قتل کرده است. سرهنگ یارندی تصریح کرد: در ادامه پیگیری‌ها مشخص شد گروگانگیر پس از اینکه متوجه شد برادرش موضوع را به پلیس اطلاع داده، او را نیز با استفاده از قمه مورد ضرب و جرح قرار داد و با انتقالش به داخل اتاق، قصد کشتن هر دو آنها را دارد. معاون اجتماعی استان تهران اظهار داشت: با توجه به اهمیت موضوع، ماموران در ابتدا به گفت‌وگو با گروگانگیر پرداختند و قصد منصرف کردن او را داشتند که وی توجهی به توصیه‌ها و تذکرات ماموران نکرد. یارندی گفت: در حالی که وضعیت گروگانگیر به علت اعتیادش به مواد مخدر هر لحظه نگران‌کننده می‌شد و احتمال بروز هرگونه حادثه‌ای از سوی وی متصور بود، ماموران با رعایت هوشیاری در یک عملیات ضربتی در اتاق را شکستند و با ورود به آن، گروگانگیر مسلح را قبل از هرگونه واکنشی دستگیر و هر دو گروگان را آزاد کردند و با توجه به اینکه از ناحیه سر و صورت و دست و پا به صورت سطحی از سوی برادرشان مجروح شده بودند، برای مداوا به مرکز درمانی انتقال داده شدند. معاون اجتماعی استان تهران خاطرنشان کرد: متهم در بازجویی‌ها علت و انگیزه اصلی گروگان گرفتن خواهر و برادرش را اعتیاد به مواد مخدر ذکر کرد.

این کیف‌قاپ را شناسایی کنید

گروه حوادث: پلیس برای شناسایی و دستگیری یک کیف‌قاپ فراری از مردم کمک خواست. به گزارش خبرنگار ما، روز ۱۶ مردادماه پزشک مالباخته‌ای با مراجعه به کلانتری یوسف‌آباد به ماموران گفت: ساعت ۸/۳۰ در میدان فرهنگ در حال عبور از عرض خیابان بودم تا به محل کارم در آن سوی میدان بروم. ناگهان مردی که سوار موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ بود، با سرعت به من نزدیک شد و کیف دستی‌ام را که حاوی مدارک شناسایی، عابربانک و مبلغی وجه نقد بود، قاپید. با تشکیل پرونده مقدماتی به دستور دادیار شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران، پرونده در اختیار کارآگاهان مبارزه با کیف‌قاپی پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. تحقیقات در خصوص این پرونده در مراحل مقدماتی بود که دو روز بعد مالباخته بار دیگر به پلیس آگاهی مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: برای مسدود کردن حسابم به بانک رفته بودم که در آنجا متوجه شدم مبلغ ۸۰۰ هزار تومان از حساب عابربانکم برداشت شده است. من برای اینکه شماره رمز را فراموش نکنم رمز را روی کارت درج کرده بودم. کارآگاهان بعد از شنیدن این خبر به بانکی که سارق از دستگاه خودپرداز آن استفاده کرده بود، رفتند و به این ترتیب با بازبینی تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مداربسته بانکی موفق به شناسایی فرد برداشت‌کننده پول از حساب مالباخته شدند. با شناسایی این جوان تصویر وی به مالباخته نشان داده شد و پزشک میانسال او را به عنوان دزد کیفش شناسایی کرد. سرهنگ کارآگاه «مهدی قزلباش» معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران، با اعلام این خبر گفت: با توجه به دلایل و مدارک به دست آمده در خصوص وقوع سرقت‌های مشابه دیگر در منطقه یوسف‌آباد و شناسایی متهم توسط تعداد دیگری از مالباختگان، به درخواست دادیار شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران چهره متهم بدون پوشش منتشر می‌شود تا کلیه مالباختگانی که چهره سارق را حین سرقت از خود مشاهده کرده‌اند برای طرح شکایت خود به اداره هجدهم (مبارزه با کیف‌قاپی) پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند و افرادی که وی را می‌شناسند یا اطلاعاتی در خصوص مخفیگاه یا محل‌های تردد در اختیار دارند اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۵۱۰۵۵۵۱۸ در اختیار کارآگاهان قرار دهند.
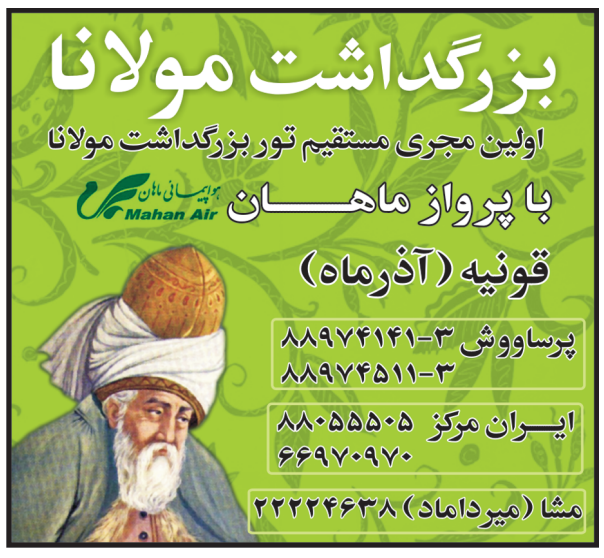
تورهای ویژه دور آسیا
مالزی+سنگاپور+بالی (۱۱روزه) بانکوک+مالزی+بالی
بانکوک+سواحل تایلند+بالی (۱۱روزه) بانکوک+پوکت+بالی
مالزی+سنگاپور+پینانگ (۱۱روزه) پوکت+مالزی+پینانگ
مالزی+سنگاپور (۸روزه) سنگاپور+بالی
سواحل تایلند+پوکت (۸روزه) مالزی+بالی
بانکوک+ساموئی (۸روزه) پوکت+بالی
مالزی+لنکاوی (۸روزه) دهلی+آگرا+جیپور
سواحل مدیترانه - استانبول - سواحل خلیج فارس
نمایشگاه گوانگجو - ارمنستان کیش - مشهد - قشم (همه روزه)
www.bahareparastouha.com
بهار پرستوها
۸۸۵۲۴۸۵۶